

افتخار آفرین در عملیات های

عصر دوشنبه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران میزبانی جمعی از دلپورمردان دوران دفاع مقدس را به عهده داشت. مردانی که در کسوت خلبان هواپیماهای جنگی، نقش مؤثری در دفاع از آب و خاک این مرز و بوم ایفا کردند؛ برخی به دست بعثی ها شهید شدند و عده دیگری هم به آشیانه بازگشتند و عملیات های خود را با موفقیت به پایان رساندند.

زنده یاد محمود اسکندری یکی از همین رزمندگان افتخار آفرین است؛ امیر خلبان جنگنده نیروی هوایی ارتش ایران که حضور مستمرو در جنگ تحمیلی، به خصوص نقش آفرینی اش در سه عملیات مهم آزادسازی خرمشهر، عملیات اج ۳ و عملیات بغداد نام وی را در تاریخ معاصر کشورمان به نیکی درج کرده است. کتاب «بیگانه با ترس» دربردارنده هشت گفت‌وگو درباره زنده یاد محمود اسکندری است. نویسنده برآی به تصویر کشیدن زندگی و کارنامه جنگی اسکندری که در طول جنگ ایران عراق با هواپیمای جنگنده فانتوم اف-۴ پرواز می کرد به سراغ خانواده و تعدادی از هم‌رزمان قدیمی اش رفته است. برخی از افرادی که وفايي را طی تالیف این کتاب همراهی کرده‌اند از جمله امیر خلبان محمود ضرابي پیش از انتشار این کتاب زندگی را بدرود گفته‌اند.

امیر خلبان فرج‌الله براتیور نخستین سخنران این آیین رونمایی بود؛ او گفته‌های خود را با اشاره به خدمات ارزنده آغاز کرد که در کارنامه کاری زنده یاد اسکندری ثبت شده و گفت: «از همان روزهای ابتدای شروع جنگ تحمیلی، افتخار همراهی با محمود اسکندری را داشتم. هرگز یاد نمی‌رود که قطور صدام با ۱۹۲ فروند هواپیما و با چه سودایی به ایران حمله کرد. به خیال خودش آمده بود که در عرض سه روز خوزستان را از آن خود سازد و یک هفته‌ای هم به تهران رسیده و آن را هم بگیرد. اما نیروی هوایی کاری کرد که صدام و بعثی‌ها این آرزو را به کور ببرند. ما طرح‌هایی برای ختنی کردیم. نقشه عراقی‌ها داشتیم؛ از جمله آن که طی یک روز، در یک برنامه هماهنگ شده، به ششگانه هم‌زمان، ۴۰ فروند هواپیمای ایرانی از پایگاه‌های مختلف برخاستند و در یک زمان واحد مواضع مختلفی را در عراق بمباران کردند.»

سخت‌ترین عملیات‌ها را به او می‌دادند

او ادامه داد: «عملیاتی که به آن اشاره شد درخصوص روز نخست جنگ بود. شهید فکوری تأکید کرده بود که نمی‌توانیم از قوای نیروی هوایی باید بر نیروی زمینی عراقی‌ها متمرکز شود. طی چهار پنج روز حدود ۹۰ هواپیما را از دست دادیم. رویه‌روی ما خلبانان با بعثی‌ها، جنگ فانتوم با تاکت بود. آن هم در شرایطی که عراقی‌ها با پشتیبانی و آمادگی کامل آمده بودند. کشورها زبانی جامی‌شان بودند؛ آنچنان که در میان نیروهای بعثی از ۳۶ کشور اسیر داشتیم. زنده‌یاد اسکندری صدام در پرواز بود. سخت‌ترین عملیات‌ها را به او می‌دادند. خیال‌انسان راحت بود که وقتی بحث خلبان اسکندری به میان می‌آید موفقیت کار حتمی است. به لطف نبوغ و کاردانی اش نیروی زمینی عراقی‌ها را زمینگیر کرد، تا جایی که بعثی‌ها اظهارتأسف می‌کردند که نیروی هوایی ایران مانع موفقیت‌شان شده است. جایی نبود که عملیاتی را به دست بگیرد و شاهکار نیافریند. در عملیات بیت المقدس، در همراهی با امیر خلبان علی اکبر زمانی، پیل مهمی را تخریب کردند که در نتایج‌اش ۱۹ هزار اسیر گرفتیم.»

ماجریسی که امیر خلبان براتیور به آن اشاره کرد به عملیاتی بازمی‌کرد که آن در مهم‌ترین عملیات اسکندری می‌دانند؛ او نقش مهمی در انجام عمل ارتداد بود که خرمشهر را به عراق متصل می کرد ایفا کرد؛ پلی که به لشکر ۱۱ بعث عراق برای جابه‌جایی تجهیزات و ادوات جنگی و همچنین بقع نشتی احتمالی کمک می کرد.

براتیور در بخش دیگری از سخنان خود به عملیات اج ۳ اشاره کرد و گفت: «در این عملیات من هم حضور داشتم؛ خیالم راحت بود که اگر بعثی‌ها من را بزنند، اسکندری هست تا کار را تمام کند. راستش شرح نقش آفرینی‌های او به اندازه‌ای است که در این فرصت اندک نمی‌توانم به همه‌شان بپردازم. هرچه از رشادت‌های او بگویم کم است. اما یکی دیگر از عملیات‌های مهمی که جا دارد اشاره‌ای به آن شود حمله به بغداد، پیش از شروع اجلاس سران عدم تعهد بود. صدام به بیانه برگزاری این اجلاس و با تلاش برای جلب حمایت کشورهای بیشتر، دنبال آن بود که روحیه بیشتری برای نیروهای خود بخرد. قرار بود بغداد میزبانی اجلاس مذکور را به عهده بگیرد و آقای ولایتی هرچقدر کوشید نتوانست بزرگان این اجلاس را از سفر به عراق منصرف کند. ایران به هیچ طریقی نمی‌خواست اجازه برگزاری این اجلاس را در عراق بدهد، به نیروی هوایی متوسل شدند و نیروی هوایی هم طبق معمول سراغ محمود اسکندری رفت. صدام گفته



سجاد صفری / ایران

مراسم رونمایی از کتاب «بیگانه با ترس»، شامل هشت گفت‌وگو

درباره امیر خلبان محمود اسکندری برگزار شد

فرازهایی از کارنامه جنگی عقاب نیروی هوایی

کتاب

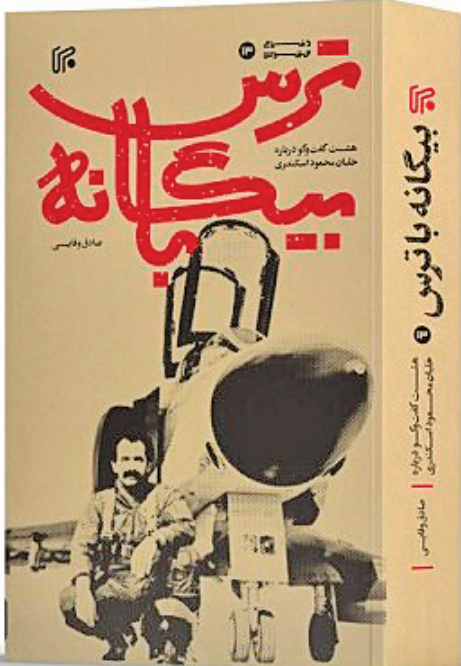
سوراخ شده به آشیانه بازگشت. آن که شهید شد عباس دوران بود و آن دیگری که «بیگانه با ترس» با نگاهی به زندگی و کارنامه جنگی اش پیش روی علاقه‌مندان قرار گرفته، زنده یاد محمود اسکندری است. مراسم رونمایی از این کتاب که به همت انتشارات ایران و به کوشش و قلم صادی وفايي روانه کتابفروشی‌ها شده در حضور جمعی از امیران سرفراز دوره جنگ تحمیلی برگزار شد.

مریم شهبازی، تابستان سال ۶۱ عراقی‌ها به دنبال کسب حمایت‌های بیشتری بودند؛ آن هم به بهانه برگزاری اجلاس سران جنبش عدم تعهد در بغداد. در شرایطی که کشورهای بسیاری در حمایت از صدام، مقابل ایران صف بسته بودند دو خلبان ایرانی، با دو فروند فانتوم اف-۴ عازم بغداد شدند تا مانع برگزاری این میزبانی و تبعات ناشی از آن علیه کشورمان شوند. یکی شان سقوط کرد؛ دیگری کار را به سرانجام رساند و با فانئومی سوراخ

بود کیوتر هم در آسمان بغداد پرواز کند آن را می‌زند. اما شهید دوران و اسکندری بی‌توجه به این تهدید رفتند؛ دود و آتش بغداد را گرفت؛ عباس دوران شهید شد و اسکندری هم با فانئومی سوراخ سوراخ، اما موفق به آشیانه بازگشت. در نتیجه آن عملیات، اجلاس به هندوستان منتقل شد و عراقی‌ها به خواسته خود نرسیدند.»

خلبانان، نیروی زمینی بعثی‌ها را زمینگیر کردند

بخش دیگری از این مراسم با سخنرانی صادق وفايي، نویسنده کتاب «بیگانه با ترس» همراه شد. وفايي با ابراز خرسندی‌اش از انتشار نوشته تازه‌اش گفت: «بگذارد قیل از هر گفته‌ای آسودگی خاطر می‌گردد که با انتشار این کتاب به دست آوردم را با همه حاضران در این مراسم به اشتراک بگذارم. از این ماجرا که بگذریم؛ افتخار آفرینی نیروی دریایی و نقشی که در دفاع مقدس ایفا کردند برکسی پوشیده نیست. ناخدا هوشنگ صادی را حاضران در این جلسه می‌شناختند. او در خاطرات خود به هشت مهر ماه اشاره کرده؛ به اینکه با او تماس می‌گیرند که فلاتی خوتد را به پلیس راه برسان. او هم می‌رود و از پشت پیام ۳۰۰ تاکت بگیرد عراقی‌ها می‌بیند. ناخدا صادی تأکید می‌کند که رنگ برزید به ستاد هواپیمایی. اگر آنان دست به کار نشوند همه چی تمام می‌شود. بلافاصله پنج فانئوم در چهار مرحله اعزام می‌شوند، تا جایی که همه تاک‌های عراقی را نابود می‌کنند. این را گفتم که بداند خلبان‌هایی همچون زنده یاد اسکندری برای نجات کشورمان چه کرده‌اند.» او ادامه داد: «تا قبل از آن که کتاب بیگانه با ترس



منتشر شود گمان می‌کردم با انتشار آن همه چیز تمام می‌شود، اما حالا می‌بینم روایتگری این قهرمانی‌ها تمام نشده و هنوز کارهای بسیاری باقی مانده است. طی همین چند روز با تماس‌های برخی خوانندگان روبه‌رو شده‌ام، از جمله کارگری که تماس گرفته بود و پرسش‌هایی درباره کتاب داشت. بعد از آن که نظراتش را با من در میان گذاشت گفت که فلاتی کتاب خوبی

نوشته‌ای، اما کتاب شما مکملی بر آن همه چیز تمام می‌شود، اما حالا می‌بینم روایتگری این قهرمانی‌ها تمام نشده و هنوز کارهای بسیاری باقی مانده است. طی همین چند روز با تماس‌های برخی خوانندگان روبه‌رو شده‌ام، از جمله کارگری که تماس گرفته بود و پرسش‌هایی درباره کتاب داشت. بعد از آن که نظراتش را با من در میان گذاشت گفت که فلاتی کتاب خوبی

وفايي در بخش دیگری از سخنرانی خود گفت که هرچقدر هم درباره رزمندگانی از این دست بنویسیم باز هم کار تمام نمی‌شود و بسیاری از مردان جنگ هستند که هنوز کاری برای معرفی‌شان نشده است.

محمود اسکندری با ترس غریبه بود

امیر خلبان محمد عتیقه‌چی، یکی دیگر از هم‌زمان زنده‌یاد اسکندری است؛ او نیز صحبت‌های خود را با شرح رشادات دوست قدیمی اش آغاز کرد و گفت: «آق‌قدر شجاع بود که در وصف رشادات‌های او نمی‌توانم راحت صحبت کرد. در پاکستان با یکدیگر آشنا شدیم. محمود با ترس غریبه بود. در هر شرایطی می‌توانست گلیم خود را از آب بیرون بکشد. از آنجایی که خاطرات جنگی‌اش را همه می‌دانند، از تکرار مکررات پرهیز می‌کنم. در دوره‌ای با او کم‌لطفی‌هایی شد اما با گذشت زمان متوجه شدند که زنده‌یاد اسکندری چه خلبانی بزرگی بوده و چه خدماتی برای این مرز و بوم داشته است.»

کلبان علی محمدی، کارگردان و فیلمنامه‌نویسی که ساخت فیلم «۲۸۸۸» را بر عهده داشته هم از حاضران در این مراسم بود؛ فیلمی که به نقش آفرینی شهید عباس دوران و محمود اسکندری تعلق دارد و ماجرای بمباران، برای جلوگیری از برگزاری اجلاس سران جنبش عدم تعهد در بغداد را شرح می‌دهد. علی محمدی نیز گفت: «وقتی تحقیقاتم را برای ساخت این فیلم شروع کردم، از طریق کتابی با خلبانان دوره جنگ آشنا شدم. با این حال هرگز فکر نمی‌کردم که روزی کنار برخی از آنها بایستم و از آن

مهم‌تر اینکه در ساخت این فیلم همراهی‌ام کنند. ساخت این فیلم ثبت خاطرات بسیاری را برای من سبب شد. ای کاش سخت‌گیری‌ها در ساخت فیلم‌های اینچنینی کمتر شود تا مردم با قهرمان‌های جنگ آشنا شوند.»

امیر خلبان محمد عتیقه‌چی، یکی دیگر از هم‌زمان زنده‌یاد اسکندری است؛ او نیز صحبت‌های خود را با شرح رشادات‌های دوست قدیمی اش آغاز کرد و گفت: «آق‌قدر شجاع بود که در وصف رشادات‌های او نمی‌توانم راحت صحبت کرد. در پاکستان با یکدیگر آشنا شدیم. محمود با ترس غریبه بود. در هر شرایطی می‌توانست گلیم خود را از آب بیرون بکشد. از آنجایی که خاطرات جنگی‌اش را همه می‌دانند، از تکرار مکررات پرهیز می‌کنم. در دوره‌ای با او کم‌لطفی‌هایی شد اما با گذشت زمان متوجه شدند که زنده‌یاد اسکندری چه خلبانی بزرگی بوده و چه خدماتی برای این مرز و بوم داشته است.»

امیر خلبان محمد عتیقه‌چی، یکی دیگر از هم‌زمان زنده‌یاد اسکندری است؛ او نیز صحبت‌های خود را با شرح رشادات دوست قدیمی اش آغاز کرد و گفت: «آق‌قدر شجاع بود که در وصف رشادات‌های او نمی‌توانم راحت صحبت کرد. در پاکستان با یکدیگر آشنا شدیم. محمود با ترس غریبه بود. در هر شرایطی می‌توانست گلیم خود را از آب بیرون بکشد. از آنجایی که خاطرات جنگی‌اش را همه می‌دانند، از تکرار مکررات پرهیز می‌کنم. در دوره‌ای با او کم‌لطفی‌هایی شد اما با گذشت زمان متوجه شدند که زنده‌یاد اسکندری چه خلبانی بزرگی بوده و چه خدماتی برای این مرز و بوم داشته است.»

کتاب «بیگانه با ترس» دربردارنده هشت گفت‌وگو درباره زنده یاد محمود اسکندری است. نویسنده برای به تصویر کشیدن زندگی و کارنامه جنگی اسکندری که در طول جنگ ایران و عراق با هواپیمای جنگنده فانتوم اف-۴ پرواز می کرد به سراغ خانواده و تعدادی از هم‌زمان قدیمی اش رفته است. برخی از افرادی که وفايي را طی تالیف این کتاب همراهی کرده‌اند از جمله امیر خلبان محمود ضرابي پیش از انتشار این کتاب زندگی را بدرود گفته‌اند.



خلبانان هم‌زم محمود اسکندری در دوران دفاع مقدس



خلبان محمود اسکندری



برش



برش